

فاطمه پاشانجاتی  
مدیر منطقه ۴ تهران

# مشارکت زمینه ساز پیشرفت تحصیلی

## ● ضرورت مشارکت

عصر جدید، به دلیل تحولات گسترده، سریع و شتابان آن در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات، به ما امکان می‌دهد روش‌های جدید و کارآمدی را در آموزش و پرورش به کار گیریم. امروزه فناوری‌های اطلاعاتی نوین تمامی حوزه‌های جوامع را تحت تأثیر قرار داده و فرایندی جدید در حیات بشریت گشوده‌اند؛ فرایندی که نیازمند ایجاد بستری مناسب برای مشارکت داوطلبانه همه اندیشمندان و نخبگان در عرصه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. تأثیر مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای مدرسه به منظور «پیشرفت تحصیلی»<sup>۱</sup> بر کسی پوشیده نیست. امروزه سازمان‌ها و نهادهای مختلفی برای فعال‌سازی زمینه‌های مشارکتی دانش‌آموزان در امور مدرسه و جامعه به فعالیت مشغول هستند. افرادی که دارای انگیزش پیشرفت در سطح بالا هستند، به خودتعالی و تفوق علاقه دارند، نه به پاداش و مزایای وابسته به آن یا پول و مقامی که به بار می‌آورد. بعضی از این افراد ترجیح می‌دهند سرنوشتشان را خود به‌دست گیرند تا اینکه در انتظار بخت و اقبال و رویدادهای نامعلوم بمانند. اینان بیشتر به داورهای آزادمنشانه مبتنی بر تجربه و ارزشیابی‌های خود علاقه نشان می‌دهند تا به عقیده و اظهار نظر دیگران. در واقع افراد شیفته پیشرفت، هدف‌های خود را به دقت تعیین و شقوق مختلف و احتمال کامیابی آن‌ها را بررسی می‌کنند. هدف‌هایشان نه مخاطره‌آمیزند و نه آسان که کوشش آنان را به شکست و ناکامی محکوم سازند.

واضح است که مفهوم انگیزش از دیدگاه مکاتب گوناگون روان‌شناسی تعریف‌های متفاوتی دارد. اما همه روان‌شناسان در مورد این نکته متفق‌القول هستند که انگیزه عاملی است درونی که رفتار شخص را تحریک می‌کند، در جهت معینی سوق می‌دهد و

آن را هماهنگ می‌سازد. انگیزه را نمی‌توان به‌طور مستقیم مشاهده کرد، ولی می‌توانیم وجود آن را از روی رفتار شخص استنباط کنیم. و یا در هر حال چنین مفهومی را برای توجیه رفتار لازم می‌دانیم. داشتن انگیزه به دانش‌آموزان انرژی می‌دهد و فعالیت‌هایشان را هدایت می‌کند. انگیزش را به موتور یا فرمان خودرو تشبیه می‌کنند. در واقع، انرژی و هدایت در مرکز مفهوم انگیزش قرار دارد. همچنین انگیزش به پیشرفت ارتباط دارد و هر دو وسیله و هدف پیشرفت‌های تربیتی نیز محسوب می‌شوند. لذا ارتباط مستقیم با آموزش و پرورش پیدا می‌کند. در دوره نوجوانی است که نوجوان با محیط‌های وسیع‌تری آشنا می‌شود و فعالیت‌های تازه‌تری را شروع می‌کند. هر جامعه‌ای به میزان برخورداری از نیروی انسانی کارآمد و اثربخش از رفاه اجتماعی بهره‌مند می‌شود. بنابراین، حضور و شرکت دانش‌آموزان در فعالیتهای اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. این ایفای نقش می‌تواند در تقویت انگیزش برای پیشرفت در دانش‌آموزان تجلی یابد.

«یادگیری خودنظم‌جو»<sup>۲</sup> که توسط آلبرت بندورا<sup>۳</sup> و همکارانش مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت، دیدگاهی تقریباً جدید برای مطالعه پیشرفت تحصیلی است. قبلاً پیشرفت تحصیلی براساس اندازه‌گیری توانایی دانش‌آموزان در بیان مطالب تدریس شده بررسی می‌شد، اما نظریه خودنظم‌جویی به این نکته توجه می‌کند که چگونه دانش‌آموزان شخصاً خود را فعال می‌سازند، تغییر می‌دهند و حفظ می‌کنند. طبق این نظر، حتی دانش‌آموزان دارای توانایی بالا هم در حد بهینه موفق نمی‌شوند. علت شکستشان استفاده نامنظم از فرایندهای یادگیری حرکتی، عاطفی و شناختی است. به علاوه، نظریه‌پردازان یادگیری خودنظم‌جو فرض می‌کنند که هیچ محیطی یادگیری را تضمین نمی‌کند. حتی در بهترین موقعیت نیز لازم است خود دانش‌آموز به منظور یادگیری بهتر به انتخاب و سازمان‌دهی محیط بپردازد.

## ● مشارکت، اصل اولیه نظام آموزشی

مشارکت و با هم عمل کردن از اصول اولیه نظام آموزشی است که زمینه‌های پیشرفت و توسعه آموزشی را فراهم می‌آورد. امروزه بدون در نظر گرفتن اصل مشارکت در آموزش و پرورش هیچ برنامه‌ای اگرچه کیفی، به هدف نخواهد رسید. یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت این است که علاوه بر تشویق دانش‌آموزان به حداکثر تلاش، نیروی ابتکار، خلاقیت و سازندگی آن‌ها را نیز شکوفا می‌کند و در آنان شوق به کار گروهی و مسئولیت به وجود می‌آورد. مشارکت فرایند سهیم کردن و سهیم شدن دانش‌آموزان در امور است که سبب می‌شود احساس کنند مورد پذیرش هستند. مشارکت احساس هم‌بستگی و تعلق خاطر نسبت به هدف‌ها را ایجاد می‌کند.

پیشرفت کودکان در مدرسه و در نوجوانی نه تنها به توانایی‌های آنان، بلکه به انگیزش، نگرش و سایر مسائلی بستگی دارد که در موفقیت دخالت دارند. یکی از سازه‌های اولیه‌ای که روان‌شناسان برای تبیین این جنبه از پیشرفت ارائه کرده‌اند، گرایش همه‌جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی است که با موفقیت در عملکرد همراه است.

با توجه به اهمیت انگیزه پیشرفت باید در جست‌وجوی راه‌هایی برای افزایش آن در دانش‌آموزان بود. نقش مدرسه و عملکرد آن به عنوان جایگاه اجتماعی و تربیتی، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار است.

دانش‌آموزانی که در امور مدرسه مشارکت دارند، از پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و عاطفی بالاتری نسبت به دانش‌آموزانی که مشارکت ندارند، برخوردارند. با توجه به اینکه میزان مشارکت با انگیزش پیشرفت رابطه دارد، به نظر می‌رسد لازم است در زمینه این ارتباط مطالعات بیشتری انجام شود.

پیشرفت کودکان در مدرسه و در بزرگسالی نه تنها به توانایی‌های آنان، بلکه به انگیزش، نگرش‌ها و سایر مسائلی بستگی دارد که در موفقیت دخالت دارند. آشکار است، کودکی که رفتارهای پیشرفت‌گرا دارد، می‌تواند در مدرسه توفیق یابد.

**تصمیم‌گیری:** انتخاب آگاهانه یک راه از میان راه‌های مختلف است که این راه‌ها از لحاظ انتخاب شدن غالباً رقیب یکدیگرند. تصمیم‌گیری عبارت است از ترکیب دانش، فکر، احساس و تصور، به طوری که مجموعه حاصل قابل اجرا باشد.

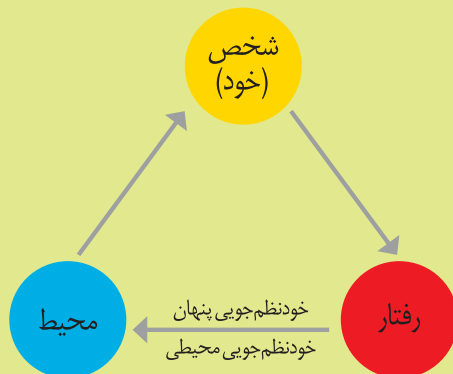
**انگیزش پیشرفت:** در واقع گرایشی است همه‌جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها و تلاش برای موفقیت در

عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت یا عملکرد همراه است. **یادگیری خودنظم‌جو:** منظور از یادگیری خودنظم‌جو، نوعی یادگیری است که در آن افراد به جای آنکه برای کسب دانش و مهارت به معلمان، والدین یا دیگر عوامل آموزشی تکیه کنند، شخصاً تلاش‌های خود را آغاز و هدایت می‌کنند.

## ● حلقه کنترل راهبردی

تلاش‌های دانش‌آموزان برای تنظیم و اداره یادگیری سه دسته از عوامل تعیین‌کننده را دربرمی‌گیرد: فرایندهای شخصی، محیط و رفتار فرد. راهبردها دانش‌آموزان را قادر می‌سازند فراگیرندگانی شوند که شخصاً رفتار خود، محیطشان و فرایندهای پنهانی چون اضطراب را تنظیم و اداره کنند.

استفاده از راهبرد.....  
بازخورد فعال.....



دانش‌آموزان خودنظم‌جو از راهبردهای یادگیری آموزشی‌گاهی به شیوه‌ای حلقوی استفاده می‌کنند. استفاده چرخه‌ای از یک راهبرد یادگیری، به بازبینی این عوامل بستگی دارد: عوامل محیطی مثل: آیا این کار عواقب مادی و اجتماعی مورد انتظار را در پی دارد؟ عوامل شخصی مثل: آیا می‌توانم مواد را به گونه‌ای تغییر دهم که به آسانی در خاطر بماند؟ و نیز عوامل رفتاری مثل: آیا می‌توانم از عهده فعالیت‌های خودنظم‌جویی برآیم؟

اگر بازخورد انجام شده در هر یک از این عوامل سه‌گانه نقصی را نشان دهد، ممکن است ادراکات کارآمد فراگیرنده کاهش یابد. فرض می‌شود برای اینکه فراگیرندگان کاملاً خودنظم‌جو شوند، لازم است خود شخصاً فعالیت را آغاز کنند، به صورت راهبردی فعالیتشان را کامل کنند و به وسیله ادراکات مداوم کارآمدی عملکرد، برانگیخته شوند.